



چهارشنبه 18 تیر 1399-16 ذیحجه 1441-8 جولای 2020

خروج میرزا کوچک خان جنگلی از رشت در پی فعالیت های کمونیستی در این شهر (1299 ش)

خروج میرزا کوچک خان جنگلی از رشت در پی فعالیت های کمونیستی در این شهر (1299 ش). یک ماه پس از اعلام حکومت جمهوری در گیلان توسط انقلابیون جنگلی، قزاقان حمله کننده به گیلان با آتش توپ های کشتی های رشت و ارتش سرخ روسیه متلاشی شدند. اما مدتی بعد، اعضای حزب عدالت وابسته به روسیه، برخلاف توافق قبلی مبنی بر خودداری از تبلیغات کمونیستی، به ترویج مرام کمونیسم در شهر رشت پرداختند. این موضوع، میرزا کوچک خان را چنان ناراحت ساخت که در هجدهم تیرماه 1299 ش، به فومن رفت. پس از خروج اعتراض های میرزا از رشت، در این شهر کودتای سرخ صورت گرفت و بلشویک های اداره امور را به دست گرفته، جنایات بسیاری انجام دادند.

در گذشت عالم با، سید آیت الله حاج شیخ علی بن اناه اشتها، دی (1387 ش)، در بخش اشتها کرج دیده به جهان گشود و از 12 سالگی به فراگیری علوم اسلامی در زادگاه خویش پرداخت و پس از طی مراحل مقدماتی، سال 1320 به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد. درس اخلاق آیت الله اشتها در مدرسه فیضیه بین فضلا و طلاب زبانزد بود و آن عالم ربانی هر شب نماز مغرب و عشا را در مدرسه فیضیه اقامه می کرد.

در گذشت "شید الدین، وطواط" کاتب و شاعر بزرگ ادبانه، (573 ق)، رشیدالدین محمد بن عبدالجلیل عمري کاتب بلخي معروف به وطواط از دانشمندان، نویسندگان و شاعران ذواللسانین معروف قرن ششم هجری است که در سال 480 ق در بلخ ولادت یافت. ذواللسانین به کسانی می گویند که هم در زبان فارسی و هم در عربی متبحر بوده و تالیفات داشته باشند. وی بعد از اتمام تحصیلات خود از خراسان به خوارزم رفت و در خدمت اتیسز خوارزمشاه درآمد و بعد از او در خدمت فرزندش معز بود. منشآت به عربی و فارسی، حدایق السحر و دیوان اشعار از تالیفات اوست. وطواط از ادیبان نامدار و فصیحان مشهور در نظم و نثر پارسی و دارای شعری استادانه و استوار است. وی در برگزیدن کلمات و قوت ترکیب، از شاعران کم نظیر و در بیان صنایع، بی ریا که به زیبایی شعر لطمه زند، بسیار ماهر است. شعر پارسی وطواط، مجموعه های از صنایع شعری است که با کمال استادی در عین تکلف اعمال شده و سلاست بیان و سلاست الفاظ را از دست نداده است. وفات رشیدالدین وطواط را در سال 573 ق در 93 سالگی گفته اند.

در گذشت عالم ربانی "شیخ زین العابدین، مازندرانی" (1309 ق)، شیخ زین العابدین ابن مسلم مازندرانی، عالمی ربانی، فقیه و از بزرگان علمای امامیه در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری است. وی پس از پایان تحصیلات مقدماتی، برای تکمیل معلومات دینی به حوزه های علمیه می رفت و از محضر اساتید بزرگ آن حوزه از قبیل شیخ مرتضی انصاری، شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر و سیدالعلمای مازندرانی بهره برد و به درجات عالی علمی و معنوی دست یافت. شیخ زین العابدین مازندرانی همواره در اندیشه های نیازمندان و فقرای جامعه بود و در حل مشکلات و رفع گرفتاری های آنها می کوشید. وی به جهت فروتنی و تواضع فراوان خود، مورد احترام علماء و مردم بوده و نزد دانش پژوهان علوم دینی، مقامی والا داشت.

امضاء معاهده تاریخی "تیلست" میان امپراتور روسیه و فرانسه (1807 م) در جریان کشورگشایی های ناپلئون بناپارت، امپراتور فرانسه و حمله به کشور روسیه، شکست سختی در ناحیه فریدلند به روس ها وارد آمد. از این رو تزار روسیه از ناپلئون تقاضای متارکه جنگ نمود و با امضای معاهده دوستی در شهر تیلست بین دو طرف در 8 ژوئیه 1807 م، روابط دوستانه بین فرانسه و روسیه ایجاد شد. بر اساس این پیمان، که به پیمان اتحاد دو امپراتور معروف شد، روسیه و فرانسه متعهد شدند در صورت حمله کشور ثالث به خاک آنها، یکدیگر را یاری کنند. همچنین ناپلئون برای جلب رضایت و دلجویی از تزار روسیه، ایالات مولداوی و والاشی در شرق روسیه را به روس واگذار کرد و متعهد شد که اگر سلطان عثمانی با این امر مخالفت نماید با آن مقابله خواهد نمود. در این میان دولت ایران که بر اساس قرارداد دوستی با فرانسه، خود را برای مقابله با دشمنانی که برای نابودی ناپلئون تحریک شده بود آماده می کرد، ناگهان در سخت ترین زمان، تنها شد. ناپلئون در این عهدنامه نامی از ایران به عنوان متحد خود در منطقه نبرد و دولت فتحعلی شاه را در برابر روسیه رها کرد. پس از امضای این عهدنامه، ارتش روسیه از جبهه اروپا رهایی یافت و تمام توانش را متوجه ایران و عثمانی گردانید. اما دوره دوستی و اتحاد دو کشور تنها تا سال 1810 م ادامه یافت. در این سال، دولت روسیه به این نکته پی برد که هم پیمانی با ناپلئون و هواداری از وی، تجارت خارجی روسیه را مختل خواهد کرد. به همین دلیل این کشور، بندرهای خود را بر روی کشتی های بی طرف گشود و برای ورود کالاهای فرانسوی به روسیه نیز مالیات های سنگین وضع کرد. سرانجام دوران اتحاد این دو امپراتوری با هجوم نافرمان ناپلئون به روسیه در 24 ژوئن 1812، خاتمه یافت.